

به نام اهورا مزدا



نقوش برجسته‌ای که کاخ‌های تخت‌جمشید را آراسته است از با اهمیت‌ترین آثار باستانی به شمار می‌آید، که تا زمان حال بر جای مانده است. کیفیت و کمیت این آثار چنان است که بررسی‌های گسترده‌ای را بر روی آنها لازم می‌سازد. لیکن تا این تاریخ هیچ‌گونه تحلیل سبک‌شناسی معتبر که چاپ و منتشر شده باشد بر روی آنها انجام نگرفته است. بررسی حاضر تلاش دارد با توجه به جنبه‌های متفاوت سبک‌ها و روش‌ها، از شیوه‌های بکار رفته در حکاکی تا اصول طراحی، از شناسایی کار حجاران، تا توصیف پیشرفت تسلسل زمانی سبک «تخت‌جمشید» شکاف موجود را پر کند.

پیکره‌شناسی و انواع مختلف نفوذ عوامل خارجی که موضوع بررسی‌های بسیار بوده است، مورد بحث قرار نخواهد گرفت.

داریوش اول (۴۸۶-۵۵۲ ق م) موجد طراحی کاخ‌های اصلی تخت‌جمشید و آرامگاه خود و نقش‌رستم بوده است. کار ساختمانی در طول سلطنت پسر او خشایار اول (۴۶۵-۴۸۶ ق م) و نوه‌اش اردشیر اول (۴۲۵-۴۶۵/۴ ق م) ادامه یافت. لیکن صرف‌نظر از بعضی تغییرات و تجدید ساختمانها در دوران اردشیر سوم (۳۳۸-۳۵۹/۸ ق م) سایر پادشاهان هخامنشی با آنکه آرامگاه‌های خود را در نقش‌رستم و مشرف بر صفا تخت‌جمشید بنا کردند، بر روی صفا هیچ ساختمانی نساختند. کاخ‌ها و شهر تخت‌جمشید در ۳۳۰ ق م بدست اسکندر تخریب شد. و از آن زمان تا شروع حفاری‌های قرن اخیر وضعیت آنها تقریباً بدون تغییر باقی ماند.

منطقه کاخ تخت‌جمشید به سه بخش تقسیم شده است: سطح صفا (تخت‌جمشید) که ساختمانهای اصلی روی آن قرار گرفته‌اند، ساختمانهای واقع در دشت به طرف جنوب و غرب صفا و سرانجام سرایشی تپه بلند به طرف شرق صفا. در حدود دوازده ساختمان بر روی صفا ساخته شده بود و بیشتر آنها به وسیله نقوش برجسته آرایش شده بودند. نقوشی که روی سردرها، پلکان‌ها و چهارچوب درها و پنجره‌ها کنده شده بودند. زمینه اصلی این نقوش نشانگر تجلیل پادشاهان ایرانی است که در صحنه‌ها شاخص است. حال شاه چه در حال قدم زدن و عبور از درها کاخ خویشتن و چه جلوس کرده بر تخت و در حال پذیرش هدایا از مردم تحت فرمان خویش است.

سالم‌ترین نقوش برجسته آنهایی هستند که در جبهه شرقی آپادانا و بر روی پلکان‌هاک ساختمان مرکزی قرار گرفته‌اند. هر دو قسمت زیر آوار دیوارهای خشتی فرو ریخته محفوظ مانده‌اند. نقوش برجسته آپادانا عموماً شاه را نشسته بر تخت نشان می‌دهند. در حالی که در جلوی او بیست و سه هیأت از مردم تحت حکومت مشغول تقدیم هدایا ارزشمنند و فوق‌العاده هستند. و در پشت سر شاه ردیف‌های نگهبانان، اسبان، ارايه‌ها، و بزرگان دربار مستقر شده‌اند. بر روی پلکان‌ها و کنار دست‌اندازها تعداد زیادی سرباز پارسی صف کشیده‌اند. در جمع، بیش از ۸۰۰ نقش بر روی صحنه شرقی آپادانا کنده شده است. همین صحنه، که به صورت معکوس تراشیده شده است، بر روی جبهه شمالی به چشم می‌خورد. لیکن از آنجا که این جبهه در طول قرون در معرض عوارض جوی قرار داشته، به صورت بدک فرسوده شده است. روی سر در پلکان‌هاک شمالی ساختمان مرکزی نگهبانان در اندازه معمولی قد انسان دیده می‌شوند، و در همین حال اشراف دربارک در لباس‌هاک پارسی یا مادک در حال بالا رفتن از پله‌ها هستند، و در آن دست‌اندازها صفوف سربازان پارسی مستقر شده‌اند. در اینجا در حدود ۴۰۰ نقش برجسته وجود دارد. در بخش بیرونی پلکان‌هاک جنوبی همان ساختمان کمانداران پارسی، و در بخش درونی، مستخدمین در پوشش پارسی و مادک مشاهده می‌شوند. پلکان‌هاک کاخ‌هاک خشایارشا، داریوش، و اردشیر سوم نیز با نقوش برجسته سربازان پارسی و مستخدمین آرایش شده است. در حالی که پلکان‌هاک غربی کاخ داریوش و کاخ اردشیر اول با نقوش هیأت‌هاک ملل تابعه و مستخدمین آرایش یافته است. به هر حال، این نقش برجسته‌ها در اثر عوارض انسانی و جوی آسیب دیده است.

بر روی چهار چوب درهاک کاخ داریوش، کاخ خشایارشا، حرم و ساختمان مرکزی شاه در زیر سایبانی دیده می‌شود که مستخدمین دربارک او را همراهی می‌کنند. بر روی دیگر آستانه‌هاک درهاک يك قهرمان شاهی با نوعی حیوان وحشی افسانه‌اک در حال جنگ تن به تن است. ویا شاه بر تخت خویش جلوس کرده و تخت بر روی سکویی است که مردم امپراتورک به جای مردم این کار را به عهده دارند.

نقوش اگر چه بسیارند لیکن به طرز خارق‌العاده‌اک همسان می‌باشند. پیکره‌هاک منفرد، نه يك بار و دوبار، بلکه در حالی که سربازان روی پلکان‌ها و کنار نرده‌ها صف کشیده‌اند چندین صدمبار با حالتی یکسان تکرار می‌شوند. گوناگونی صحنه کم است، و بسیارک از آنها با شیوه‌هاک یکسان تکرار

می‌شوند طرح چهره یکسانی برای پارسیان، مادها و بیشتر بیگانگان نشان داده شده است. پارس‌ها بلا استثناء جامه‌های بلند (ردا) چپ‌داز پوشیده‌اند، و این جامه‌ها در چند نقش محدود گوناگون نشان داده می‌شود. در صورتی که مادها همگی ملتبس به لباس‌های بدون آستینی هستند که بلنداک آن تا روی زانوانشان می‌رسد. این همسانی ما ظاهراً کار حاکمی نقوش را بسیار ساده‌تر و مکانیکی‌تر می‌سازد، و مقدار شکل‌های مختلف و حالات استفاده شده در تخت جمشید در مقایسه با تعداد کل نقوش ناچیز است.

بیش از ۳۰۰۰ نقش بر روی ساختمان‌ها و مقبره‌های تخت جمشید ایجاد شده است. در سایر بناهای هخامنشی نقوش کمی وجود دارد. ۳۲ نقش در پاسارگاد، ۱۴ نقش در بیستون، ۸ نقش در کانال ستون سنگی مصر که به وسیله داریوش اول ساخته شده، و تعداد کمی در شوش، بابل و تل حکوان. حتی اگر این امکان در نظر گرفته شود که تعداد بیشتری از این نقوش از بین رفته باشند، نمی‌توان تصور کرد که قبل از ساختن تخت جمشید صنعت پیکرتراشی و حجاره قابل ملاحظه‌ای در پارس وجود داشته است.

نقوش برجسته تخت‌جمشید از قرن هفدهم در اروپا شناخته شده است. در دهه ۱۹۳۰ هیأت آمریکایی، ابتدا تحت سرپرستی ارنست هرتسفلد و سپس اریک اشمیت، حجاره‌های بسیاری را که عبارت بودند از جبهه شرق آپادانا، دو پلکان ساختمان مرکزی، و روی اورتواستات که به خزانه انتقال یافت، کشف کرد. این اکتشافات تعداد نقوش برجسته شناخته شده در تخت‌جمشید را به دو برابر افزایش داد و از آنجا که آنها در شرایط تقریباً کاملی هستند، بایستی مبنای هر نوع بررسی برای شناخت سبک نقوش برجسته تخت‌جمشید قرار گیرند. نتایج حاصله از حفاری‌های هیأت آمریکایی در سه جلد کتاب بسیار جالب انتشار یافت. کتاب‌هایی که شامل موارد گسترده از کلیه بناهای واقع به روی صفا می‌باشند. لیکن علی‌رغم خارق‌العاده بودن کتاب تخت‌جمشید اشمیت از کلیه جوانب، پیداست که وقتی به توضیح دادن نقوش برجسته می‌پردازد، فقط از روی عکس‌ها به بررسی پرداخته است. این بدان معنی است که او بعضی موارد اصولی را نادیده گرفته است، مثل نشانه‌های مربوط به حجاران، و در اینجا است که استنادهای او ناکافی است. در این اواخر تلاش‌های بسیاری به وسیله آقا و خانم تیلیا انجام گرفته است. این مطالعات بر اساس کار دقیق بازسازی در تخت‌جمشید بوده است. کار بازسازی از سال ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۹ به مسئولیت آنان ادامه داشته است.

ابزارها:

سنگ تراشی زمان هخامنشی به تفصیل به وسیله آن بریت تیلیا و کارل نایلندر مورد بررسی قرار گرفته است. در اینجا من فقط کار بر روی نقوش برجسته را مورد بحث قرار می‌دهم. روش‌های حاکمی را می‌توان به بهترین وجه بر روی بخش‌های ناتمام نقوش برجسته مشاهده کرد، و تقریباً هر مرحله از کار می‌تواند در جایی در تخت جمشید مورد شناسایی قرار گیرد. در بعضی از موارد می‌توانیم از روی علائم به جا گذاشته شده روی سنگ تعیین کنیم چه ابزاری و به چه ترتیبی در آن به کار

رفته است. ابزارهای آهنی، چه کلنگ و چکش (با دسته افقی) یا قلم سر تیز و اسکنه (که با پتک چوبی به آن ضربه می زنند) مورد استفاده قرار می گرفت.

هریک از این دو گروه را می توان به ابزارهای سرتیز، لبه دار و نوع دنداندار از هر اندازه و وزنی تقسیم کرد. کلنگ سنگین برای سنگتراشی و شکل دادن ابتدایی با توجه به اینکه تکه سنگی که بایستی برداشته شود به چه اندازه است با ضربه عمودک و با ضربه سریع و لب شکن مورد استفاده قرار می گرفت. مرحله بعدی احتمالاً استفاده از قلم های تخت و پتک چوبی بوده است. برای تهیه یک سطح صاف معمولاً از چکش لبه دار و بطور عمومی تر و شاید با گذشت زمان، از چکش دنداندار استفاده می شده است. پس از آن بطور پی در پی چکش های ظریفتر همراه با استفاده از قلم های لبه دار به کار می رفته است. در جزئیات از قلمها و اسکنه های لبه دار تخت و باریک استفاده می شده است. آخرین مرحله صاف کردن سطوح بوسیله مواد ساینده از درجات مختلف و آب بوده. و سرانجام برای زدودن خراش های باقیمانده، از عمل سایش با مالیدن سنگ با همان درجه سختی یا سرب یا چرمی که احتمالاً پوست کوسه بوده استفاده می شده پس از آن نقوش برجسته رنگ می شدند.

در این مختصر ابزارها و طرز کاربرد آنها به طور خلاصه بیان شده است. لیکن در اینجا باید به نکته ای اشاره کنم، در هر مرحله حجار یا بنا می توانست از انواع مختلف ابزارها سود ببرد. بسته به آموزش و استنباط شخص خود و هم چنین اهمیت کاری که انجام می داد از قلم با کلنگ، ابزار لبه دار یا دنداندار استفاده می کرد. علاوه بر این تشخیص علامت بجا گذاشته شده بوسیله یک کلنگ با آنچه که یک قلم بجا می گذارد، و تفاوت بین اثر چکش لبه دار از قلم درز صاف، با چکش دنداندار از اسکنه دنداندار مشکل است.

هیچ گواهی برای کاربرد مفارهای گرد یا مفار، اره، سوهان تخت یا سوهان وجود ندارد. حفره های کوچک برای متصل کردن تزئینات فلزی و مجاری ریختن سرب مذاب بوسیله مته ساخته می شدند. احتمالاً مته های کمانی با استفاده از سر مته کوتاه و ساینده لیکن از تکنیک ((مته چرخان)) که در صنعت پیکره سازی یونان رواج کامل داشت استفاده ای به عمل نیامده است. از خراطی در معماری سنگ استفاده نشده است، لیکن در کار چوب، فلزکاری و برای صنعت ساخت ظروف سنگی و مهرهای استوانه ای از آن استفاده شده است.

نشانه ای از سایر ابزارهایی که بوسیله حجاران و بنایان مورد استفاده قرار گرفته است باقی نمانده. یکی از این ابزارها همان گونیای بنایان است که مشتمل بر یک لبه صاف، یک گوشه قائمه، یک تراز و یک شاقول است. گونیا و تراز می توانند از هم جدا باشند، و شاید به همین دلیل است که بعضی از بنایان نشانه مشخصه خود را برای تراز A و برای گونیا انتخاب می کنند. علاوه بر اینها، اندازه گیرهای نخی، خطکش های چوبی، پرگار تقسیم برای کشیدن دایره، ریسمان، و رنگ مورد استفاده قرار گرفته است. احتمال دارد که به منظور واریسی و بازدید قالبها و شاید برای تراشیدن نقوش برجسته از شابلونهای چوبی پیش ساخته استفاده می شده است.

نقاشی و ترصیع

وقتی هرتسفلد نقوش برجسته آپادانا و ساختمان مرکزی را از زیر خاک بیرون آورد اثرات بسیارک را از رنگهایی که به آنها چسبیده بود یافت. لکن متأسفانه جزئیات زیادی از آن را ثبت نکرد. امروزه آثارک از آن رنگها هنوز باقیمانده است. به ویژه روی نقوش برجسته‌های تالار صدستون، جایی که نقش اهورمزدا و سکوبه‌های نشیمنگاه مربوط به تخت سلطنتی رنگ اصلی خود را حفظ کرده‌اند. در محل های دیگر رنگ قرمز بر روی بعضی از لب‌ها، پره‌های بینی و چشمان نگهبانان پارسی در ایوان سر پوشیده ساختمان مرکزی، در دهان و پره‌های بینی نقوش سرستون‌ها، در پره‌های بینی قهرمانان در نقوش برجسته آپادانا و روی نقش شاه روی درهای ساختمان مرکزی وجود دارد. عناصر مختلفی در سایه یکنواخت از قرمز، سبز، آبی و احتمالاً زرد رنگ شده‌اند، رنگهای دیگر، مثل سیاه، ساخته شده از دوده، ممکن است به مصرف رسیده باشد ولی اثرک از آن باقی نمانده است. برای کمک به نقاش در کار رنگ زدن گاهی اوقات انگاره‌هایی روی سطح سنگ بوسیله خراشیدن به وجود می‌آورده‌اند. شیرها، علائم روی بازو و طرح‌های گل و بوته‌ای دیده شده‌اند که روی لباس‌ها در کاخ داریوش، کاخ خشایارشا، ساختمان مرکزی و اندرونی وجود داشته است، با اجرای این روش، شاه، تنها نقشی است که با البسه طرح دار از نظر شکوه و جلال و رنگ آمیزک روشن و واضح و ابعاد و اندازه خود از دیگران تمیز داده می‌شود.

در طول باقیمانده این مقوله خواننده بایستی به خاطر داشته باشد که بسیاری از جزئیاتی که در حال حاضر آشکار شده‌اند در زیر رنگ محو گشته بودند. به ویژه بخش‌های کامل نشده نیز همه رنگ شده بودند. مفهوم نیست که نقش‌ها تا چه حدودک رنگ شده‌اند برای مثال، ما نمی‌دانیم آیا پوست پیکره‌ها رنگ آمیزک شده بوده است یا نه و یا چه رنگی برای رنگ آمیزک لباس سربازان به کار رفته است. این که گفته شده است که سطح سنگ‌ها از روی قصد به صورت ناهموار گذاشته شده تا رنگ را بهتر به خود بگیرد حقیقت ندارد، و در واقع به طور طبیعی این بخش‌های صاف تر بوده‌اند که رنگ روی آنها حفظ شده است.

بعضی از حجارک‌های برجسته و سرستون‌ها با سنگ‌های رنگی یا فلز ترصیع شده‌اند و یا با برگه و ورقه طلایی تزیین گشته‌اند. بر روی پیکره شاه در کاخ داریوش، کاخ خشایارشا و ساختمان مرکزی تاج و بعضی از جواهرها در سنگ کار گذاشته است، تصور بر آن است که گردن بندها، الگوها و تاج‌ها از فلزات و سنگ‌های گرانبها ساخته شده است. بعضی اوقات ریش‌ها نیز، شاید با سنگ آبی مصرک حجارک شده‌اند. در کاخ P در پاسارگاد سوراخهایی می‌توان در روی کفش یا لباس پادشاه مشاهده کرد که برای کار گذاشتن تزیینات بوده است.

مدت زمان ایجاد نقوش

تخمین مدت زمانی که برای حکاکی يك نقش تنها صرف شده است مشکل است. مدت این زمان به عوامل بسیاری بستگی دارد. مهارت و تجربه هنرمند، کیفیت نظارت، تقسیم کار بین حجاران، و همچنین نوع حجارک برجسته و مشخصات سنگ. با نگرش به این عدم اطمینان ها، ممکن است حتی پیشنهاد کردن مدت زمان تخمینی ناهنجار به نظر برسد. لیکن موضوع آنقدر جالب است که هر تخمینی هر قدر هم تقریبی باشد ارزش توجه کردن دارد.

به طوری که از بررسی نقش های سپردار روی بالکن آپادانا مشخص شده است، چون بخشهای مختلف نقشها احتمالاً به وسیله حجاران متفاوت حکاکی شده است. حداقل زمان لازم برای تکمیل نقش، مدتی بوده است که جزئیات سر نقش حکاکی شده اند. اگر کسی این زمان را بداند و تعداد حجارانی را که متخصص حکاکی سر پیکره بوده اند نیز در دست داشته باشد، می توان زمان حکاکی يك نماک کلی را محاسبه کند. به عنوان يك تخمین تقریبی، بین سه تا شش روز صرف می شده است تا سر یکی از کوچکترین نقشها حک شود و حداقل دو برابر این زمان برای حکاکی سر یکی از بزرگترین پیکره ها صرف می شده است. سه استاد بناک سنگ کار سه ماه برای تکمیل کردن يك تہ ستون آپادانا پس از آن تکه سنگ بریده شده و به محل حمل می شد وقت صرف می کرده اند. با توجه به این ارقام، تخمین حاصله در بالا ممکن است خیلی اندک باشد. در فصل چهارم خواهیم دید که دو تیم از حجاران بر روی جبهه شمالی ضلع شرقی آپادانا، جایی که ۲۴۲ کماندار کوچک و نگهبان و ۱۳۶ نیزه دار، مهتر و اشراف متوسط القامه وجود دارد، کار کرده اند. در هر تیم تعدادک حجار بوده است. لیکن روی هم رفته در هر تیم يك یا دو حجار سر نقش ها را حکاکی کرده اند. برای حکاکی این نما حداقل دوازده ماه وقت صرف شده است، ولی احتمالاً زمانی دو یا سه برابر آن برای این کار لازم بوده است.

<http://parsiandej.ir>

پارسیان دژ مرجع ایران شناسی